

نگاهی دیگر به «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان»

دکتر پوران‌دخت فاضلیان
عضو هیئت علمی و استادیار
دانشگاه تربیت معلم

پیشگفتار

چندی است که بحث دربارهٔ موقعیت زن و رفع مظلومیت از آنان، جایگاه ویژه‌ای در مجامع بین‌المللی پیدا کرده است و کشورهای در حال توسعه و اسلامی نیز به دلیل دارا بودن قوانین و شرایطی متفاوت از اصول بین‌المللی، بیش از سایر کشورها برای ایجاد برابری و تساوی حقوق برای زنان تحت فشار هستند.

تدوین سند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW)^۱ و ارائه آن به کشورها برای الحاق به این کنوانسیون، از جمله فعالیت‌هایی است که برای رفع مظلومیت زنان صورت گرفته است. بررسی این سند و اشکالاتی که بر آن وارد است و الزاماتی که در قبال امضای آن به کشورها تحمیل شده است و حقوق ملی که بعضاً از قشرهایی از زنان ضایع می‌شود، انگیزه‌ای برای تدوین مقاله حاضر بوده است.

۱. سابقه کنوانسیون

وضعیت زنان از بدو تأسیس سازمان ملل همواره به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین موضوعات این سازمان مطرح بوده است. کنوانسیون حقوق سیاسی زنان (۱۹۵۲)،

1. Convention on the Elimination of all forms of Discrimination Against Women

اجلاس ملیت زوجه (۱۹۵۷) و ... و صدور اولین اعلامیه رفع هرگونه تبعیض (۱۹۶۷) در کمیته رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW)، از مصادیق تلاش‌های سازمان ملل در زمینه بهبود وضعیت زنان است. بلافاصله بعد از این اقدامات نیز معیارهای کوتاه‌مدتی با محوریت خشونت علیه زنان، ترمیم قواعد تساوی، و برابری در ازدواج و روابط خانوادگی ارائه شد. در دهه بعدی نیز در چهارمین اجلاس جهانی زن در پکن (۱۹۹۵) «کارپایه عمل» به منظور راهکارهای کاربردی، به تصویب گروه‌های شرکت‌کننده دولتی و غیردولتی رسید. بعد از آن، کشورهای الحاقی ملزم شدند هر سال درباره چگونگی اجرای مفاد سی‌گانه کنوانسیون، برطبق مجاری کارپایه‌های عمل، به کمیته «CEDAW» گزارش ارائه دهند.

این کمیته ۲۳ عضو از کشورهای مختلف دارد که نظریات و پیشنهادهای خود را پس از دریافت گزارش‌های سالانه هر کشور، به منظور تسهیل فرایند اجرایی ارائه می‌دهد.

۱-۱. مروری بر مفاد کنوانسیون*

هدف اصلی کنوانسیون رعایت برابری کامل زن و مرد به معنای تساوی و تشابه و ازین‌بردن تبعیض‌های جنسیتی در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. نکته قابل توجه اینکه این سند، جابه‌جایی تبعیض را با کمیت بیشتر زنان (نسبت به مردان) توصیه می‌کند.

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، مشتمل بر ۳۰ ماده است که به شش بخش تقسیم شده است:

بخش اول:

۱. تبعیض

۲. معیارهای تعیین خط‌مشی

۳. تضمین حقوق بشر و مبانی آزادی

۴. معیارهای ویژه

۵. نقش قالب‌های سنتی جنسیتی و تعصبات درباره آنها

۶. خودفروشی

بخش دوم:

۷. زندگی سیاسی و اجتماعی

۸. حضور زنان در مجامع ملی و جهانی

۹. ملیت

بخش سوم:

۱۰. آموزش

۱۱. اشتغال

۱۲. بهداشت

۱۳. بهره‌مندی اقتصادی و اجتماعی

۱۴. زنان روستایی

بخش چهارم:

۱۵. حقوق

۱۶. ازدواج و خانواده

بخش پنجم:

۱۷. کمیته رفع تبعیض علیه زنان

۱۸. گزارش‌های کشورهای

۱۹. قوانین برنامه‌ها

۲۰. جلسات کمیته

۲۱. گزارش‌های کمیته

۲۲. نقش ارگان‌های تخصصی

بخش ششم:

۲۳. تأثیر کنوانسیون بر سایر معاهدات

۲۴. تعهدات کشورهای الحاقی

۲۵ تا ۳۰. مدیریت اجرایی کنوانسیون

بخش پنجم و ششم اجرایی کمیته، اقدامات لازم الاجرای این معاهده در عرصه مشارکت‌های زنان، در کلیه کشورها، نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی را دربرمی‌گیرد.

۱-۲. تأثیر «کنوانسیون» در وضعیت زنان

در ۲۵ سال گذشته، ۵ کنفرانس جهانی ویژه زنان، جهت تضمین راهبردها و سیاست‌های جهانی برای اجرا و تحقق مفاد کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، در سازمان ملل برگزار شد (مرکز مشارکت زنان، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۲)^(۱). با وجود گذشت بیش از نیم قرن از تأسیس سازمان ملل و تصویب انواع قراردادهای و مقاوله‌نامه‌ها و برگزاری ده‌ها اجلاس و کنفرانس، وضعیت اجتماعی زنان نه تنها بهبود نیافته، بلکه در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی پیچیدگی‌هایی یافته است که به آسانی قابل حل نیست. با نگاهی به فهرست سند، می‌توان دریافت که بیشترین تلاش در زمینه ایجاد تشابه حقوقی بین زن و مرد انجام شده است؛ و تغییر نگرش به منزلت زنان، در اولویت‌های بعدی قرار دارد.

● با توجه به بررسی گزارش‌های ارسالی کشورها به CEDAW مشخص می‌شود که کنوانسیون در فرایند ایجاد فرهنگ برابری به شکل مصوب امروزی آن در سازمان ملل، در کشورهای مختلف، با مشکلات و موانع عدیده‌ای روبه‌رو شده است. دلیل بروز این مشکلات این است که در تدوین و تنظیم مفاد کنوانسیون، اصالت هویت انسانی، گرایش‌های روحی و معنوی، فرهنگ‌های بومی و دیدگاه‌های سنتی و شیوه زندگی ملل لحاظ نشده و تبیین هویت انسانی، به ایجاد بسترهای ظهور مکاتب نوین فمینیستی و اومانیستی منجر شده است. از جمله این مکاتب می‌توان به مکتب کوئیر^۱ اشاره کرد. در این مکتب، جنسیت مفهوم ندارد و تمامی قالب‌های اصول‌گرا نفی می‌شود (رودی، ۲۰۰۱: ۱۵)^(۲). از سوی دیگر، تعارضات آشکار مفاد کنوانسیون با مباحث دینی و عرفی، از چالش‌های عظیم این معاهده در ناتوانی ایجاد تعادل و تناسب در بخش‌های مختلف تنظیم روابط

اجتماعی است.

● در راستای اهداف کنوانسیون نیز اکثر دولت‌ها به بازنگری، تجدید نظر یا اصلاح قوانین خود مجبور شدند؛ که این اقدامات در بسیاری موارد، با احکام دینی، فرهنگ بومی و عرف جامعه در تضاد بوده است، به عنوان مثال، در کشوری مانند قرقیزستان با سابقه فرهنگی خاص، همجنس‌گرایی زنان (لزبین‌ها) در سال ۱۹۹۹ صورت قانونی به خود گرفت.*

● به علاوه، پس از گذشت حدود یک ربع قرن مشارکت‌های سیاسی، هنوز حضور زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و حتی در سازمان ملل بسیار کم‌رنگ است: از بین ۱۵۴ کشور عضو سازمان ملل تنها ۶ زن به نمایندگی از سوی کشورهای خود حضور دارند و در سراسر دنیا فقط ۵٪ از زنان در منصب رهبران سیاسی جهان قرار دارند و تنها ۲۰٪ از کرسی‌های ۱۶۰ مجلس قانونگذاری را زنان اشغال کرده‌اند. با توجه به این آمارها و میزان پیشرفت حضور زنان در این عرصه‌ها، به نظر «سوزان گلداستون»^۱، «۴۷۵ سال طول خواهد کشید تا موازنه جنسیتی در مدیریت‌های سیاسی سطوح بالا برقرار شود.» (گلداستون، ۱۹۹۶: ۳). به این ترتیب، تصور جایگاه کمی بالاتر برای زنان، افسانه‌ای بیش نیست.

۲. تغییر نگرش به جایگاه زن در تبیین قوانین بین‌المللی

از آنجا که کنوانسیون هنوز نتوانسته است حتی به بخش کوچکی از اهداف خود در کشورها دست یابد، ضرورت نیاز به تجدیدنظر در برنامه‌ریزی‌ها، سازماندهی‌ها و اجرای قوانین در مورد زنان بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. ایجاد وضعیتی متناسب با شرایط روحی، فکری و رفتاری زن در جوامع مختلف، مستلزم طراحی نگرشی دیگر بر اساس مبانی نوین است.

۲-۱. محورهای اساسی در تدوین قوانین بین‌المللی

طراحی مبنای جدید به منظور تعیین منزلت متوازن و متعادل برای زنان، نیازمند مقدماتی است که از جمله آن شناخت جایگاه انسان و تعریف متکامل از زن است

*. "Citizen Link", *Family Issues in Policy and Culture* (Journal), 2001.

که با روند زیر می‌توان به آن دست یافت:

- * تعیین متغیرهای مبنایی جهت «شناخت» موضوع
- * تعریف از «انسان» فارغ از جنسیت آن براساس مبانی «شناخت»
- * شناخت تفاوت‌های جنسیتی، جهت تبیین جایگاه مطلوب زن و مرد براساس تعریف از «انسان»

۲-۲. رویکردی تطبیقی به مبانی نظری کنوانسیون

در محور اول، مبنای «شناخت» از موضوع زنان در تدوین کنوانسیون، نگرشی صرفاً مادی‌گرایانه بوده آن‌چنان که رشد و افزایش امکان بهره‌وری مادی در زن مدنظر بوده است. گرچه در معاهده کنوانسیون، مفاهیمی چون آزادی و لیبرالیسم به معنای ارضای نیازهای مادی و نفسانی صراحتاً مطرح نشده، فلسفه آزادی مطرح شده در این معاهده، در اصل به معنای تعالی آزادی در مکاتب الهی نبوده و قالب‌های محدودکننده آزادی نیز تعبیر مادی داشته است.

در محور دوم، «انسان»، موجودی انتخاب‌کننده برای بهره‌وری از مظاهر مادی حقوق بشر و آزادی در تمامی زمینه‌ها معرفی شده است.

در محور سوم، تأکید کنوانسیون بر «تساوی»^۱ زن و مرد بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های روحی، فکری و رفتاری است که خود منشأ تبعیض، تحقیر و تولید صورت‌های دیگری از مظالم بر قشر زنان و حتی مردان می‌شود. شاهد این مسئله، گزارش‌های مراکز پزشکی، حقوقی و جزایی دولت‌های کشورهای پیشرفته صنعتی مبنی بر افزایش میزان خانواده‌های تک‌والدینی، افزایش ناهنجاری‌های اخلاقی، رشد میزان موالید نامشروع، افزایش میزان بیماری‌های روانی در زنان به دلیل وجود فشارهای مضاعف در جهت تأمین معیشت و تناسب نداشتن بین وظایف و حمایت‌های اجتماعی است.

بروز وضعیت حاضر به دلیل درک و تعریف نکردن صحیح انسان و جایگاه زن و مرد در چارچوب «نظام هماهنگ» است؛ و بنابراین، تفاوت‌های جنسیتی به عنوان

۱. ماده اول کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان.

منشأی تبعیض بین زن و مرد و نیز «تساوی» این دو قشر راهبردی برای رفع هرگونه ظلم برای قشر زنان مطرح شده است؛ ولی چنانچه معیار دیگری برای تعریف تفاوت‌های جنسیتی ملاک قرار گیرد، قاطعانه می‌توان گفت که تعریف از تبعیض و بی‌عدالتی و شیوه‌های مبارزه با آن و قوانین مربوط به رفع مظالم به کلی تغییر خواهد کرد. شاید یکی از دلایلی که موجب شده است دولت‌ها با گرایش‌های متفاوت هنوز پس از گذشت ربع قرن در پذیرش این کنوانسیون تردید داشته باشند، عدم همه‌جانبه‌نگری مفاد آن و تناقض با قوانین اساسی کشورها است.

بر همین اساس و نیز به دلیل عدم موفقیت پیش‌بینی شده کمیته (CEDAW) در زمینه اجرای مفاد کنوانسیون، این کمیته حق تحفظ ارائه‌شده برخی از کشورها را در بدو پذیرش با وجود تعارض با مفاد کنوانسیون قابل قبول می‌داند و سعی می‌کند با رهنمودهای خاص خود به هر یک از کشورها، با توجه به اشکالات اجرایی پیش‌آمده، شرایط لازم را برای پذیرش کامل کنوانسیون فراهم سازد.^{*} در ایرلند، با حکومتی کاملاً سکولار، تأثیر مذهب، به‌خصوص بر روی حقوق زنان کاملاً مشهود است و کمیته CEDAW مجبور به پذیرش حق تحفظ غیرقانونی بودن سقط جنین در ایرلند شده است (گزارش ایرلند به کمیته بررسی CEDAW ۱۹۹۱).

۳-۲. آسیب‌شناسی دیدگاه مادی در قوانین بین‌المللی زنان

سیستمی که شناختی همه‌جانبه از زن و مرد داشته باشد و ابعاد روانی - اجتماعی آنها را مدنظر قرار دهد، این دو قشر را در جهت کمال «متناظر» یکدیگر - نه «متقابل» - می‌بیند که توسعه فردی و اجتماعی هر دو گروه را در پی خواهد داشت. اما در نظامی که مبنای آن بهره‌مندی قشر زن و مرد در ابعاد مادی باشد، کارایی یک قشر به‌عنوان ابزار توسعه برای ارضای نیاز مادی طرف مقابل مطرح می‌شود. این طرز تفکر چنان در جامعه‌شناسی مکاتب مادی اصالت دارد که نظریه پردازان تئوری‌های فمینیستی مانند بتی فریدن^۱، تکامل و تعالی زن را در داشتن اختیارات و استقلال مالی می‌داند و انواع تحقیر و تحمیل به قشر زن را ناشی

*. 43rd Session of the Commission on the Status of Women (CSW), march 1999.

1. Betty Friedan

از ضعف مالی آنان تلقی می‌کند (فریدن، ۱۹۶۳: ۳۷۱ - ۳۷۰).

۲-۴. حوزه اثرگذاری قوانین بین‌المللی

نکته قابل توجه در این حوزه، مادی شدن هرچه بیشتر نگرش قوانین و تعیین سطح اثرگذاری قوانین است. به نظر می‌رسد باید تغییرات اساسی آن‌هم در سطوح کلان و بین‌المللی ایجاد شود تا حل معضلات اصولی و ریشه‌ای زنان با سازماندهی مناسب‌تری کاربردی شود. با نگاهی گذرا معلوم می‌شود که میزان کمی از صدماتی که طی دهه‌های گذشته به زنان در کشورهای مورد تعرض و در حال جنگ وارد آمده است با میزان صدمات کمی حاصل از نارسایی قوانین داخلی همان کشورها قابل مقایسه نیست.

مناقشات مسلحانه و جنگ‌ها در منطقه خاورمیانه، به خصوص در ۲۰ سال اخیر، طیف وسیعی از زنان منطقه را دچار بحران‌های شدید روحی، فکری و اقتصادی کرده که دلیل اصلی این مناقشات ناتوانی مجامع بین‌المللی در اخذ تصمیمات قاطع و وجود تبعیض در فرایند تصمیم‌گیری این درگیری‌ها بوده است. از سوی دیگر، فشار سازمان‌های بین‌المللی در مورد تغییر قوانین داخلی کشورها و هم‌جهت‌کردن آن با مفاد اعلامیه حقوق بشر حتی در سطح داخلی نیز بسیار متفاوت است. از جمله فعالیت‌های مجمع عمومی سازمان ملل، «اقدام علیه دولت‌هایی است که آشکارا حقوق بشر را نقض می‌کنند». اما نگاهی به وقایع سه دهه گذشته نشان می‌دهد که علیه دولت‌های متجاوز و چون اسرائیل، امریکا و انگلستان، اقدامی در چارچوب فعالیت اصلی سازمان ملل و منع آنان از طریق تغییر قوانین داخلی این کشورها صورت نگرفته است (گزارش سازمان ملل، ۲۰۰۱: ۱۵۴).^(۳) لذا زمانی این‌گونه اسناد (که در واقع باید براساس مجموعه‌ای از معیارهای مشترک بین تمامی ملل باشند) قدرت اجرایی پیدا خواهند کرد که بتوان با استناد به آنها اعمال دولت‌ها را از نظر بین‌المللی ارزیابی و شرایط عادلانه را برای تمامی آنان در سطح تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا، ایجاد کرد. در غیراین صورت، این اسناد قانونی در حکم سلاحی برای مقابله با هر تغییر در جوامعی به کار می‌رود که مغایر با اهداف صاحبان قدرت، ثروت و اطلاعات عمل کنند و در نهایت مجازات

و یا تشویق دولت‌ها گزینشی خواهد بود.

۳. موقعیت ایران در الحاق به کنوانسیون

بی‌گمان جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تحولات در انگیزش زنان ایرانی، شاهد رشد کمی و حضور زنان در ابعاد مختلف اجتماعی بوده است. البته واقعیت انکارناپذیر این است که مشکلات زیادی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه زنان ایران وجود دارد که باید با توجه به اهداف قانون اساسی^(۴)، در رفع این معضلات اهتمام کرد؛ اما لازم است با نگاهی همه‌جانبه به الحاق یا عدم الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض، نکاتی را در این زمینه در نظر گرفت:

● قبل از هر تصمیمی درباره پذیرش یا عدم پذیرش این سند باید فواید و عواقب الحاق به آن به روشنی در چالش برای کارشناسان و عموم قرار گیرد، زیرا عواقب ناشی از پیوستن به معاهدات، گریبانگیر دولت‌ها و نسل‌های آینده خواهد شد. در ضمن، پس از پیوستن به معاهده باید هر سال گزارشی از نحوه تغییر قوانین داخلی و یکسان‌سازی آنها با قوانین بین‌المللی به کمیته CEDAW در سازمان ملل ارائه شود. در واقع، سؤال اینجا است که چگونه می‌توان قوانین برگرفته از احکام الهی را با قوانین ساخته دست بشر که مرتباً در تغییر و تحول است، مقایسه کرد؟

● از سوی دیگر، از آنجا که پتانسیل و سرعت کافی به لحاظ کارشناسی برای طراحی و تغییر قوانین مدنی مربوط به زنان در نهادهای قانونگذاری، قضایی و اجرایی وجود ندارد، با توجه به حساسیت‌ها و فشارهای بین‌المللی که در مورد جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است، دادن مجوز برای دخالت در جزئی‌ترین قوانین داخلی، مناسب با شرایط اجتماعی ایران نخواهد بود؛ که در این صورت، دولت ایران باید با صرف هزینه و زمان بسیار، به جای پرداختن به مسائل کلان کشور، پاسخگوی حساسیت‌ها و گزارش‌های سازمان ملل باشد (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰: ۱۰۹).

● مسئولان اجرایی کشور در امور زنان، تأسف تأخیر در امضای کنوانسیون را پس از ۲۲ سال یادآور شده‌اند؛ در حالی که پیوستن ایران به بسیاری از معاهدات بین‌المللی حتی قبل از انقلاب اسلامی برای حفظ منافع ملی صورت گرفته است،

که از جمله آنها می‌توان به پیوستن به «کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات کشتار دسته‌جمعی (ژنوساید)» پس از ۸ سال^(۵)، «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان» پس از ۲۵ سال، «کنوانسیون لغو و مجازات جنایت آپارتاید» (همان) پس از ۱۲ سال اشاره کرد لذا تعجیل در الحاق به سندی الزام‌آور، بدون بررسی‌های دقیق و کارشناسانه، به مصلحت نظام جمهوری اسلامی نیست.

● نگرش انتزاعی و بریده به مفاد کنوانسیون با شرایط بین‌المللی، امری ساده‌انگارانه خواهد بود؛ زیرا تمامی مفاد در پیوند با یکدیگر به شکلی نسبی جهت اعمال مقاصد خاصی تهیه شده است و تکیه بر برخی مفاد از جمله حق تحفظ برای قوانینی که با شرع مقدس در تضاد است، امکان‌پذیر نیست. براساس ماده ۲۸ بند دوم این کنوانسیون، «تحفظاتی که با هدف و منظور کلی این کنوانسیون سازگار نباشد، پذیرفته نخواهد بود».

● دست‌اندرکاران قضایی و اجرایی، به ضعف‌ها و تناقضات و خلأهایی که در قوانین کشور و در موضوع زنان وجود دارد، واقف‌اند و باید در قالب سازمان‌دهی با پشتوانه پژوهشی در ارتباط بین حوزه و دانشگاه برای رفع خلأهای موجود تلاش کنند. این روند باید با توجه به وجود چنین حساسیت‌هایی در مسئولان اجرایی و قضایی جریان یابد و بدون توجه به فشار و تحقیر بین‌المللی به دلیل پذیرش کنوانسیون و اجبار در تغییر قوانینی که سال‌ها است برای تغییر آن تلاش می‌شود، به اصلاح قوانین بر اساس شاخص‌های فرهنگی و اقتصادی کشور اقدام کرد.

درواقع، تأکید بر تحفظ در مفادی که با اسلام مغایرت دارد، استدلالی و وهله‌ای است و اعلام تحفظ ایران به دلیل تضادی که به لحاظ ماهیت بین اهداف کنوانسیون و شرع مقدس وجود دارد، در دراز مدت به تغییر قوانین به نفع مفاد کنوانسیون منجر خواهد شد.

۴. پیشنهادها

با توجه به جمعیت ۱/۵ میلیاردی مسلمانان در جهان و این نکته که کشورهای اسلامی غنی‌ترین منابع فرهنگی و اقتصادی در جهان را در اختیار دارند، پیشنهاد تهیه و تدوین سند جدیدی تحت عنوان «کنوانسیون اسلامی» در جهت عزت و

صیانت از حقوق زنان با مبانی جدید ضروری است؛ و راهکارهای اجرایی آن موارد زیر را در برمی گیرد:

● تغییر در سه محور اساسی برای تدوین این قرارداد به عنوان شامل ترین اصول با مبانی دینی:

- تعیین متغیرهای مبنایی جهت «شناخت» موضوع برپایه «دین و عدالت خواهی»

- تعریف از انسان به عنوان موجودی دارای «اختیار»

- تبیین تفاوت های جنسیتی به عنوان منشأی «توازن» بین زن و مرد در جامعه بشری

● تدوین میثاقی مستدل از سوی کنفرانس اسلامی به سازمان ملل متحد و اعلام خلاهای موجود در کنوانسیون در موضوعاتی چون عدم توجه به مبانی خانواده و عوارض آن، عملی نبودن بعد اجرایی مفاد کنوانسیون، تعارض قوانین و حقوق انسانی در کشورهای مختلف با مفاد کنوانسیون و ... و اعلام «مبنایی جدید» برای تدوین آن

● ارتباط سازمانی و رایزنی و فعالیت های دیپلماتیک برای بررسی مشکلات مبتلا به (فردی، گروهی و سازمانی) زنان در سراسر دنیا، به ویژه زنان مسلمان در خاتمه یادآور می شود راهکار توسعه یافته ای که بتواند زن را در موضعی برتر قرار دهد، تنها با تولید میثاقی براساس «مشترکات ادیان الهی» - از جمله عدالت خواهی، وحدانیت، و ظلم ستیزی - امکان پذیر خواهد بود.

پی نوشت ها

۱. اولین کنفرانس در سال زنان - مکزیکوسیتی، ۱۹۷۵
 - دومین کنفرانس جهانی زن - کینهاگ، ۱۹۸۰
 - سومین کنفرانس جهانی زن - نایروبی، ۱۹۸۵
 - چهارمین کنفرانس جهانی زن - پکن، ۱۹۹۵
 - پنجمین کنفرانس جهانی (پکن + ۵) - نیویورک، ۲۰۰۰
۲. کوئیرها جنسیت خاصی را در رفتار و عمل برای افراد قائل نیستند و خود را پای بند هیچ یک از ساختارهای اجتماعی، به خصوص اخلاقیات در ارتباط جنسی، نمی دانند.
۳. سالانه بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ گزارش از موارد نقض حقوق بشر به کمیسیون سازمان ملل

می‌رسد.

۴. فصل سوم (حقوق ملت)، اصل بیستم: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۵. برای نمونه می‌توان به گزارش‌های مختلف کمیسیون حقوق بشر در مورد زنان ایران، از جمله گزارش‌های سال‌های اخیر گالیندویل، اشاره کرد.

کتابنامه

مرکز مشارکت زنان، سند اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل، پکن + ۵، چاپ اول، ۱۳۸۱، صفحه ۱۵ - ۱۲.

Rudy, Kathy. 2000. "Radical Feminism, Lesbian Separatism and Queer Theory", Feminist Studies, Chicago Press.

Goldstone, Susan. 1996. "Advancement of Women in Leadership Positions. (Cedaw Press).

43rd Session of the Commission on the Status of Women (CSW) march 1999 CSW-43 Concluding Observation of the Committee on the Elimination of all Forms of Discriminations Against Women: Ireland, CEDAW/C/1991/L.2/Add 4 (Geneva, Switzerland: Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, July, 1, 1999. Pava 20.

Friedan, Betty. 1963. "the Feminine, My Stique", New York: Dell Book Press.

United Nations, 2001. "We the People" New York: Page 154.